



16 اکتوبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

## توضیح مختصر خدمت محترم انجنیر صاحب کلیوال!

نوشته مبسوط جناب شما را تحت عنوان "مکئی بر مقاله تحقیقی (دست های مرموز در شهادت میوندوال) از این قلم را خواندم، با احترام به نظریات شما میخواهم چند نکته را مختصر خدمت بعرض برسانم:

1 - مطالعات و بررسی این کمترین در سلسله مقالاتم تحت عنوان "دست های مرموز در شهادت میوندوال" یک موضوع تازه نیست، بلکه از چندین سال به اینطرف با کسانی که قبل از شما به این موضوع عطف توجه داشته اند، بارها و بارها به تبادل نظر تحریری و شفاهی پرداخته ام که جناب شما نیز به همان سلسله چند ماه قبل با طرح یک پرسش از من طالب نظر شده بودید.

2 - خوشبختانه این کمترین با هیچ یک از متهمان کودتا قرابت، نزدیکی قومی و حتی شناخت شخصی نداشته ام که بررسی من تحت الشعاع آن قرار گرفته باشد و نه به کدام جناح سیاسی وابسته بوده ام که از آن زاویه بر موضوع نظر اندازی نمایم. به حیث یک افغان و فارغ از همچو وابستگی ها در این موضوع ابراز نظر کرده ام. اینکه نظرم به ذوق شخصی بعضی ها برابر نیست و موجب نارضایتی فکری شان میشود، آنرا یک موضوع عادی و طبیعی میدانم و کوچکتری نگرانی از آن ندارم که کی از آن خوش و یا خفه میشود، بلکه برعکس با اظهار نظر خود احساس آرامش درونی می نمایم.

3 - مخالفت فکری من با فعالیت جناح های چپ کودتا و در عقب آن دست خلق و پرچم و در نهایت دست نامرئی شوروی از همان اول عیان بود و به همین دلیل در راه مبارزه علیه فعالان مصیبت بزرگ کودتای هفت ثور با اشتراک یک تعداد استادان پوهنتون از همان بدو مرحله یعنی سه ماه بعد از کودتای منحوس ثور باز داشت و همه زندانی شدیم که به آن افتخار میکنم. شاید شما از آن اطلاع کافی نداشته باشید.

4 - وقتی پس از رهائی زندان متعاقباً وطن را ترک و مهاجر شدم، در اولین ماه ها در فرانکفورت به تدویر مظاهرات علیه تهاجم شوروی اشتراک فعال داشتم در تشکیل اولین اتحادیه پناه گزینان افغان در آن شهر در نیمه دوم سال 1980 از جمله بنیانگذاران آن محسوب می شدم. وقتی در سال 1981 از آلمان به امریکا آمدم تا مدت چند سال هیچ وسیله ابراز نظر در اجتماع افغانها موجود نبود، تا اینکه با تأسیس اولین رادیو با نشرات یک ساعت در هفته در جنوب کالیفرنیا به فعالیت ضد رژیم دست نشانده آغاز کردم و وقتی قدم بقدم ساحه میدیای افغانی در مهاجرت وسیع شد، به نوشتن مقالات و نیز اشتراک در برنامه های رادیویی و تلویزیونی با صراحت تمام علیه رژیم ابراز نظر کردم و برای مدتی نیز از خود برنامه خاص تحلیل های سیاسی را پیش بردم و از همان وقت (سالهای 1990) ضمن موضوعات مختلف بعضاً راجع به کودتای مسمی به "میوندوال" به جواب سؤالات بعضی هموطنان پرداخته و نظر خود را بیان داشته ام.

- 5 - تا جائیکه در افغانستان شاهد تحولات بودم و جریان رویداد ها را به دقت تعقیب میکردم، در همان زمان تلاشهای متعدد جناح راست افراطی را در برابر نظام جمهوری و حتی قبل از آن شاهد بوده ام. برعکس بعضی ها که معتقد اند، کودتای مسمی به میوندوال یک دسیسه و توطئه حکومت بوده است، احساس قرین به یقین من از همان زمان که در اواخر دوره شاه ناظر اوضاع بودم، مبین این بوده است که پاکستان در تبلیغ و نیز در ایجاد بی ثباتی در افغانستان دست دراز دارد و سخت مشغول توطئه و دسایس به اشکال مختلف در کشور بودند که همه درج اوراق تاریخ است. بعد از کودتای 26 سرطان این تلاش پاکستان کسب شدت کرد تا نظام جمهوری را در همان هفته های اول قبل از آنکه استحکام یابد، سرنگون سازند. چنانچه راپور رسمی سفارت امریکا بیانگر آنست و نیز سفر رسمی بوتو به امریکا و مذاکره با نکسن شاهد آشکار این کار بوده که نمیتوان از ان انکار کرد.
- 6 - با ملاحظه این عوامل و تیره شدن مناسبات با پاکستان طرح پلان کودتا به وسیله پاکستان و آنهم تجمع دو کتگوری اشخاص (نظامیان و ملکی ها) و آغاز فعالیت شان بر علیه رژیم یک واقعیت بوده است، نه یک دسیسه.
- 7 - در تحلیل اشتراک اشخاص که بیشتر منسوب بیک منطقه و یک ولایت بوده است، خود روابط محلی کودتا چپان را آشکار می سازد که بیشترین آنها را تعدادی از محلات حواشی سرحد تشکیل میداد (از مولوی سیف الرحمن گرفته تا دیگران).
- 8 - اینکه چگونه پای شهید میوندوال در این موضوع دخیل گردید، بذات خود یک معما است، زیرا موصوف از جمله دست پرورده های دو برادر یعنی محمد داؤد و محمد نعیم خان بود و به همین دلیل جهت همکاری با نظام از مسافرت برگشت و به دیدار دو برادر شتافت و وعده همکاری داد.
- 9 - اینکه چرا میوندوال قبل از رسیدن به محکمه نظامی، به شهادت رسید، سؤال مهم است که در آن دست داشتن جناح چپ کودتا و در راس آن حسن شرق و نیز دست های خلق و پرچم و در پشت پرده دست نامرئی دیگر یعنی سفارت شوروی را نمیتوان نادیده گرفت.
- 10 - این همان سؤالی مهمی بوده است که بعضی میخواهند آنرا تحریف نمایند و بار ملامت را بدوش محمد داؤد بیندازند تا بدینوسیله توجه را از نقش دستهای فوق الذکر خلق و پرچم و در نهایت شوروی بسوی دیگر معطوف سازند. اگر محمد داؤد میخواست میوندوال را از بین ببرد، راه ساده همانا از طریق محاکمه و به اعدام محکوم کردن او بود. اما چون جناح چپ و در نهایت دست نامرئی سفارت شوری احساس میکرد که جرم میوندوال آنقدر نیست که محکوم به اعدام شود و یا اینکه شاید به ساقیه دوستی قدیمی با دو برادر جزای او از اعدام به حبس ابد تقلیل یابد و بتواند به اینطریق جان به سلامت برد، آنها قتل او را به شکلی مرموز با ادعای انتحار طراحی نموده و حریف را از میدان برداشتند که اینکار موجب برافروختگی محمد داؤد گردید ، اما در برابر یک عمل انجام یافته قرار گرفت.
- 11 - این شرحی بود که نه تنها در این مقاله اخیر بیان کردم، بلکه از مدتها قبل آنرا از طرق مختلف در مصاحبه ها و نوشته های قبلی خود انعکاس داده بودم.
- 12 - من از قرابت شما با شهید ماما زرغون شاه آگاه هستم و میدانم که دفاع شما از این رویداد یک موضوع "معمولی" و مروج بین اقارب است که خواهی نخواهی به شکلی تبارز میکند و من حرفی

در برابر این نوع موقف گیری های شخصی ندارم، زیرا ابراز نظر ها آزاد است و کسی مانع آن شده نمیتواند.

13 - در مورد شکنجه متهمان حین تحقیقات وقتی آنرا "معمولی" وانمود کرده ام، مقصدم به مفهوم دقیق کلمه یعنی "آنچه بطور کل عملی میباشد"، بوده است. متأسفانه این شیوه نه تنها در افغانستان، بلکه در پیشرفته ترین کشورهای جهان که خود را بانی "حقوق بشر" می شمارند، حتی به شدت بیشتر معمول است که نمیتوان از آن انکار کرد. اما در این قضیه نحوه اعتراف و شهادت دادن یکی علیه دیگر را نمیتوان نتیجه فشار وارده دانست. درحالیکه کست ثبت شده به آواز هریک مشخصاً شهادت یکی بر دیگر را واضح می سازد که برطبق آن البته در آغاز ماما زرغون شاه خان خواسته بود تا از قضیه به نحوی طفره برود، اما شهادت حاجی فقیر براو وضع را تغییر داد. همچنان خان محمد خان مرستیال در آغاز خواست تا کودتا را صرف یک "تصور" و آرزومندی وانمود کند، اما بعدتر دیدار های باهمی در منزل شهید میوندوال و خانه دگرجنرال عبدالرزاق خان اصل پلان را بیشتر واضح ساخت و در اخیر شکی باقی نماند که این برنامه محض تصور نبوده، بلکه قدم های عملی در آن راه محسوب میشده است.

14 - از روی اسناد رسمی معلوم میشود که شهید میوندوال صرف دوبار از زندان به وزارت داخله جهت تحقیق احضار شده بود که بار اول از اشتراک خود انکار کرد و اما بار دوم بازهم در اثر شهادت دیگر متهمان، مجبور به اعتراف شد.

15 - از اینکه بعضی ها به دلایل قرابت و خویشی و یا به دلیلی عقده مندی علیه نظام جمهوری میکوشند مسئولیت رویداد را از شانه کمونیست ها برداشته و بدوش محمد داؤد بیندازند، مربوط خود شان بوده مسلماً اختیار دارند هرچه میگویند، مثلیکه تاحال گفته اند، بازهم بگویند. و این ادعای شما که من کوشیده ام مسئولیت جناح چپ کودتا و در عقب آن خلق و پرچم و سفارت شوروی را مرفوع دارم، یک ادعای بی اساس است، چون برعکس به نظرم مسئول مستقیم رویداد در شهادت میوندوال آنها میباشد. خلاصه این کمترین آنچه در نظرش واقعیت معلوم میشود، آنرا بزعم شاعر بیان کرده است:

من آنچه شرط بلاغ است، با تو گویم

تا خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال

محترماً! این بود توضیح مختصر خدمت شما و دیگر دوستان هم نظر شما که با ادعای های شان در این زمینه از مدتها قبل آشنا هستم، بعرض رسید و اگر بازهم مطالب بیشتر نوشته شود، آنرا خواهم خواند و در صورت لزوم توضیح خواهم داد و در غیر آن ارائه جواب را بر خود لازم نمی بینم، چون ادامه بحث تغییری در موضوع وارد نمیکند و جز ضیاع وقت نتیجه ای بار نمی آورد. در این حال قضاوت بین دو نظر در دست خوانندگان عزیز خواهد بود که منصفانه در زمینه قضاوت خواهند کرد. با احترام و عرض ارادت. داکتر سید عبدالله کاظم.

---

د پاڼو شميره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ